

بررسی وجه شبه در اشعار اخوان ثالث

دکتر محبوبه بسمل، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوادکوه

(mh.besmel@gmail.com)

چکیده

وجه شبه از آن جهت که قدرت تخیل شاعر را نشان می‌دهد یکی از مهمترین ارکان تشبیه به شمار می‌آید. در کتب بلاغت سنتی، وجه شبه را به صورتهای مختلف دسته بندی کردند: وجه شبه حسی و عقلی، وجه شبه حقیقی و خیالی، وجه شبه تمثیلی و غیرتمثیلی. اما در این آثار نحوه ارتباط میان وجه شبه خیالی با دو سوی اصلی تشبیه کمتر مورد توجه بوده است. اخوان ثالث در بسیاری از تشبیهات خود از وجه شبه‌های خیالی بهره برده است. در این مقاله، نگارنده بر اساس جدول «گوتلی» رابطه این رکن را با مشبه و مشبه به از دیدگاهی جدید مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. آنچه در وجه شبه‌های خیالی اخوان برجسته است استفاده از صورتهای خیالی است که می‌تواند به مشبه یا مشبه به و یا به صورت هنری تر به هر دو رکن مذکور شخصیت بدهد. در واقع اخوان در این نوع تشبیهات که از شاخصترین تصاویر تشبیهی او محسوب می‌شوند توانسته است ضمن هم جوشی با پدیده‌های بیرون، آنها را با صفات و حالات درونی خود به تصویر بکشد و با این روش رنگی از رومانسیسم به اشعار خود بدهد.

واژگان کلیدی: شخصیت بخشی، خیالی، وجه شبه، مشبه، مشبه به

۱. مقدمه

وجه شبه، شباهت بین مشبه و مشبه به را در بر می‌گیرد. بحث در مورد این رکن مهم ترین بحث تشبیه است چون وجه شبه جهان بینی و وسعت تخیل شاعر را نشان می‌دهد. در کتب بیان تقسیم بندی‌هایی از وجه شبه ارائه کرده اند. یکی از مشهورترین تقسیم بندیها، تفکیک وجه شبه به دو گروه «حسی» و «عقلی» است. تفتازانی و جرجانی هر دو این تقسیم بندی را دارند.

وجه شبه حسی: وجه شبهی است که با یکی از حواس پنجگانه درک شود. مثال جرجانی در این مورد تشبیه «برق» به «شمشیر» است و یا تشبیه «ثریا» به «لگام سیمین و خوشه انگور» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۱۴۶)

وجه شبه عقلی: وجه شبهی است که با حواس ظاهری قابل درک و دریافت نیست مثل تشبیه «علم» به «نور» از نظر هدایت. (عرفان، ۱۳۸۴: ۱۰۹)

وجه شبه از سویی دیگر به «خیالی» و «حقیقی» نیز قابل تقسیم است. این نوع تقسیم بندی نیز هم در اسرارالبلاغه و هم در کتاب تفتازانی آمده است:

وجه شبه حقیقی: وجه شبهی است که هم در مشبه و هم در مشبه به وجود دارد. مانند تشبیه «صورت» به «گل سرخ» در سرخی یا تشبیه «صدای کاروان» به صدای «بچه جوجه‌ها» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۱-۵۰)

وجه شبه خیالی: وجه شبه در مشبه و مشبه به یا یکی از این دو رکن تخیلی است و در عالم واقع تحقق ندارد. مانند تشبیه «بدعت و جهل» در سیاهی به «ظلمت» که سیاهی برای بدعت و جهل غیرواقعی و تخیلی است. (عرفان، ۱۳۸۴: ۷۵)

جرجانی از زاویه ای دیگر یعنی از جهت تاویل و یا عدم تاویل، وجه شبه را به دو گروه تقسیم می‌کند:

تشبیه غیر تمثیل: در این گونه تشبیه، وجه شبه امری آشکار و روشن است و به تفسیر نیاز ندارد. حال این نوع وجه شبه ممکن است امری محسوس باشد و با حواس ظاهر درک و دریافت شود. مثل تشبیه آتش به چشم خروس و یا تشبیه قامت شخص به نیزه. یا اینکه امری انتزاعی و غیر محسوس باشد مثل تشبیه شخصی به «شیر» در شجاعت. (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۱)

تشبیه تمثیل: تشبیهی است که وجه شبه در آن امری آشکار و ظاهری نیست بلکه به تاویل و تفسیر نیاز دارد. مثل تشبیه سخن به عسل در شیرینی و هم چنین برهان به خورشید در روشنی و وضوح. (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۲)

بر طبق این تعریف از وجه شبه تمثیلی می‌توان تمام وجه شبه‌ها را در تشبیهات معقول به محسوس در این حوزه وارد دانست. البته جرجانی این نوع وجه شبه‌های تاویلی را از جهت دشوار بودن و یا آسان بودن به درجات متعددی تقسیم می‌کند. او معتقد است وجه شبه در برخی تشبیهات تمثیلی بر اندکی تاویل و در بعضی دیگر به تاویل و موشکافی بیشتری نیازمند است. مثلاً تشبیه الفاظ به آب روان تشبیهی ساده و آسان فهم است. یعنی او الفاظ مغلق و دشوار ندارد. اما انواع دیگر وجه شبه‌های تمثیلی ممکن است تا این اندازه ساده و صریح نباشند مثل این تشبیه کعب اشعری در وصف بنومهلَب که: «همچون حلقه ای بودند که دو سر آن دانسته نمی‌شد.» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۵)

تعریف جرجانی از تشبیه تمثیل بسیار عام است. از نظر او تمامی تشبیه‌های معقول به محسوس با وجه شبه‌های طولانی را می‌توان تشبیه تمثیل دانست. او بر این اساس، تمثیل را شاخه ای از تشبیه می‌داند و به نسبت عموم و خصوص بین آنها قائل است. (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۳-۵۱)

خطیب قزوینی تشبیه تمثیل را تشبیهی می‌داند که وجه شبه در آن امری متزع از امور عدیده باشد یعنی از دو یا چند امر خواه این تعدد مربوط به اجزای شی واحد باشد یا نباشد. بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود او قید عقلی بودن را برای تشبیه تمثیل در نظر نمی‌گیرد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۸۱)

بنا به نظر شفیعی توضیحی که سکاکی در باب تمثیل داده شاید یکی از کاملترین تعریف را باشد. او می‌گوید: «اگر در تشبیه، «وجه شبه» صفتی غیر حقیقی باشد و از امور مختلف انتزاع شده باشد تمثیل خوانده می‌شود. در مجموع نظر او با جرجانی یکی است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۸۱)

شمیسا نیز در کتاب خود به غیر از وجه شبه تحقیقی و تخیلی از نوع دیگری از وجه شبه به نام «وجه شبه تاویلی» نام برده است طبق تعریف او این نوع وجه شبه برای یکی از طرفین تشبیه به تاویل نیازمند است: «از آنجا که ما گاهی وجه شبه را با استناد بر ملازمه معنای آن و یا با صنعت استخدام و به طور کلی با تفسیر و تاویل متوجه می‌شویم لازم است در کنار وجه شبه تحقیقی و تخیلی اصطلاح دیگری - مثلاً وجه شبه تاویلی - وضع کنیم (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۰۲) همانطور که دیده می‌شود این نوع وجه شبه در حقیقت با تعریفی که جرجانی از وجه شبه تمثیلی ارائه کرده قابل تطبیق است.

وجوه شباهت حسی و حقیقی در شعر اخوان بسیار فراوان است. اما ویژه ترین تشبیهات او تشبیهاتی است که شاعر در آنها از وجه شبه‌های خیالی بهره برده است.

اما آنچه در تعیین سبک تصویرسازی شاعران اهمیت بسیار دارد تنها تقسیم بندی وجه شبه به خیالی و حقیقی نیست بلکه ما باید بدانیم که هر شاعر از چه صورت یا صورتهای خیالی در رابطه با مشبه و مشبه به بهره گرفته است. در کتب سنتی - تا جایی که نگارنده با آن برخورد کرده است - هیچ تقسیم بندی بر این اساس، نحوه ارتباط وجه شبه با مشبه و مشبه به را تشریح و تبیین نکرده است.

گوتلی (Goatly) در کتاب خود تحت عنوان "**The language of Metaphor**" - «زبان استعاره‌ها» - به این مساله پرداخته و برای این رابطه جدولی ترسیم کرده است. در این جا ما با کمک این جدول و خانه‌های آن خیالی بودن وجه شبه را در ارتباط با مشبه و مشبه به نشان می‌دهیم.

جدول ۱: جدول گوتلی

رابطه وجه شبه با مشبه		رابطه وجه شبه با مشبه	
Z	Y	X	
محمول	مورد انتظار	ضروری	
۳	۲	۱	A ضروری
۶	۵	۴	B موردانتظار
۹	۸	۷	C محمول

بر طبق جدول فوق، وجه شبه می‌تواند از سه طریق با مشبه و مشبه به ارتباط برقرار کند:
 ۱- ضروری بودن وجه شبه برای هر یک از طرفین: مانند ژرف بودن برای «دریا» در تشبیه «آسمان» به آن (اخوان، ۱۳۸۷: ۶۱) که ژرف بودن برای «دریا» ضروری است.

۲- موردانتظار بودن وجه شبه: مانند «درخشان بودن» که در تشبیه «معشوق» به «مشرقی» برای مشبه به مورد انتظار است: (معشوق) چون مشتری درخشان چون زهره آشنا (اخوان، ۱۳۸۶: ۶۴)
 مثال گوتلی در این رابطه تشبیه مگسها به ابرهاست در سیاهی. وی سیاهی را هم برای مگسها و هم برای ابرها مورد انتظار دانسته است. (Goatly, 1998: 231)

۳- محمول بودن وجه شبه: به نظر می‌رسد محمول بودن در طبقه بندی فوق را می‌توانیم به «خیالی بودن» تاویل کنیم. چنانکه در تشبیه زیر، که به صورت مضمیر شاعر خود را با «سنگهای خاره کر» مقایسه کرده است وجه شبه یعنی جمله «گریبان پاره باید کرد» با مشبه به رابطه ای خیالی از نوع تشخیص برقرار می‌کند:
 الا یا سنگهای خاره کر با گریبانهای زناری / نمی دانم کدامین چاره باید کرد / نمی دانم که چون من یا شما آیا گریبان پاره باید کرد یا دل راز سنگ خاره باید کرد (در حیاط کوچک پاییز، ۶۵)

۲- بحث:

اخوان در برخی از تشبیهات خود از وجه شبه های حقیقی بهره برده است. در این تشبیهات گاه بنای تصویر بر صفات و ویژگیهای محسوس قرار گرفته است و اموری چون رنگ، حرکت، شکل ظاهری و ... که عموماً از امور متعلق به حس باصره اند زمینه های پیوند دو سوی خیال را فراهم آوردند. تشبیهات زیر نمونه هایی از این مواردند:
 آب روشن چو چشم دختر من (زمستان، ۸۲)

گل به گل ابر سترون در زلال آبی روشن / رفته تا بام برین چون آبگینه پلکان پیداست (آخر شاهنامه، ۶۰)
 مرد و مرکب گفت راوی الغرض، القصة می رفتند / [همچون باد (از این اوستا، ۳۲)

چنانکه دیده شد در این تشبیهات وجه شبه برای مشبه و مشبه به و یا برای هر دو رکن تشبیه ضروری یا مورد انتظار است. این نوع تشبیهات اخوان، تشبیهات سبک خراسانی را تداعی می‌کند زیرا در این سبک بیشتر «توصیف مستقیم و صریح طبیعت» مد نظر بود (فتوحی، ۱۳۸۶: ۷). غالب این تشبیهات با وجه شبه های ضروری و مورد انتظار برای مشبه و مشبه به خانه های ۱، ۲، ۴ و ۵ جدول گوتلی را پر می‌کند. در نقطه مقابل این نوع تصاویرسازی، تشبیهات آثار عرفانی قرار دارند. در برخی آثار عرفانی از جمله در غزلیات مولوی به تشبیهاتی برمی‌خوریم که وجه شبه ها با رنگ سورنالیستی که به تشبیه می‌دهند برای یک یا حتی برای هر دو رکن تصویر غیرممکن هستند و با شخصیت بخشی و یا حتی با تأویل رمزگونه نیز قابل درک و دریافت نیستند. (پورنامداریان، ماحوزی، ۱۳۸۷: ۶۴-)

اما ویژه ترین تشبیهات اخوان تشبیهاتی هستند که خانه های ۳، ۶، ۸ و ۹ جدول را به خود اختصاص می دهند. در این تشبیهات با اسناد مجازی و غیر حقیقی وجه شبه، به مشبه یا مشبه به و یا به صورت هنری تر با اسناد غیر حقیقی وجه شبه به هر دو رکن تشبیه رو به رو هستیم. در این حالت وجه شبه صفت یا ویژگیهای حقیقی را نشان نمی دهد بلکه این رکن رابطه ای خیال انگیز با مشبه و مشبه به برقرار می کند. در این پیوند خیالی آنچه بیش از هر امر دیگری بارز و آشکار است «شخصیت بخشی» است. در واقع باید گفت هم سویی و هم جوشی شاعر با طبیعت و جهان پیرامون، او را بر آن داشته است تا در قلمرو تشبیه در موارد فراوانی، اعمال، صفات و حالات انسان را به عنوان وجه شبه به پدیده های بیرونی اسناد دهد. در نمونه های کمتری حتی مفاهیم معقول و امور انتزاعی را نیز در ساختار تشبیهی با ویژگیهای گوهری انسان توصیف کند و به این ترتیب تشبیهات خود را با صناعت تشخیص در هم آمیزد. این ویژگی بیانگر آن است که تصویر در شعر اخوان در خدمت بیان عواطف و حالات روحی شاعر است و کمتر به بیان و توصیف ظواهر اشیاء و پدیده‌ها محدود می شود. اخوان حتی در تشبیهات حسی به حسی نیز که در متداول ترین روش می توان ویژگی یا ویژگیهای ظاهری و حقیقی را به عنوان وجه شبه قرار داد در بسیاری از موارد از وجه شبه های خیالی و عقلی بهره برده است و با مبنا قرار دادن صفتی انسانی به عنوان وجه شبه، عناصر و پدیده های اطراف را همچون خود دانسته و آنها را با وجدان و عاطفه شخصی خود توصیف کرده است. تشبیهاتی این چنین که در ضمن آن احساس شاعر به اشیاء پیرامون تسری می یابد و همدلی و همراهی شاعر را با پدیده‌های پیرامون به نمایش می گذارد از نشانه‌های بارز مکتب رمانتسم است (فتوحی، ۱۳۸۶: ۷۱) بنابراین می توان گفت اخوان با این نوع تشبیهات توانسته است رنگی رمانتیک به شعر خود بدهد.

به غیر از وجه شبه مذکور در موارد بسیاری نیز رابطه خیالی وجه شبه با مشبه یا مشبه به بر اساس تجسم بخشی توجیه می شود. به این صورت که وجه شبه خیالی، مشبه یا مشبه به معقول را همچون امری محسوس مجسم می سازد. در نمونه های محدودی نیز وجه شباهت رابطه ای خیالی مبتنی بر ایهام و هم چنین رابطه ای بر اساس حسآمیزی با مشبه و مشبه به برقرار می کنند.

در این جا بر اساس نظریه ی بروک رز درباره نحوه ارتباط فعل و یک ترکیب تشبیهی رابطه وجه شبه فعلی را با دو رکن اصلی تشبیه یعنی مشبه و مشبه به نشان می دهیم.

رابطه فعل با دو رکن تشبیه را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱-۲- **فعل با مشبه استعاره بسازد:** این نوع تشبیهات در سطر **C** و ستون **X** از جدول گوتلی قرار می گیرند. در بیهیای زیر این ویژگی دیده می شود:

و چون جاجیمهای خاک خورده بادها را خوب بتکانید (در حیاط کوچک پاییز، ۳۳)

خدا را یک ستاره «از فساد خاک وارسته» / چو قندیلی بیابوزید از سقف سیاه شهر (در حیاط کوچک پاییز، ۳۴)
در مثالهای فوق افعال «بتکانید» و «بیابوزید» به عنوان وجه شبه قرار گرفتند. این وجه شبه‌ها برای مشبه به‌ها یعنی «جاجیم های خاک خورده» و «قندیل» حقیقی است اما در ارتباط با مشبه یعنی «بادها» و «یک ستاره» غیر حقیقی و تخیلی است.

در نمونه های زیر اسناد مجازی وجه شبه مشبه با تشخیص و یا جان بخشی همراه است:

و گر پرسیم چون ما می سراید باد: / [هرگز هیچ (در حیاط کوچک پاییز، ۹۸)

من سایه ام را چو خود مست کردم (از این اوستا، ۱۰۹)

شب را چو گربه ای که بخوابد به دامنم / من ناز می کنم (از این اوستا، ۶۳)

در نمونه های بالا به ترتیب وجه شبه هایی چون «می سراید»، «مست کردم» و «ناز می کنم» در ارتباط با مشبه هایی چون «ما»، «من» و «شب» حقیقی است. اما این وجه شبه‌ها با مشبه های «باد»، «سایه» و «شب» رابطه ای تخیلی مبتنی بر تشخیص برقرار می کند.

در نمونه های زیر نیز فعل با مشبه رابطه ای خیال انگیز دارد:

زمستان

می خواست پر کند / روح مرا چون روزن تاریک خانه ای (۱۱۴)
غمزو فریبکاری مستی حسود نیز (ما را چو دشمنی به کمین بود ای دریغ (۱۱۷)
چو گل روئیده شهری روشن از دریای تر دامان (۱۴۸)

آخر شاهنامه

خاک را چون خیمه ای تاریک ولرزان بر می افرازد (۱۱۸)
هر نفس لختی ز عمر من بسان قطره ای زرین / می چکد در کام این مرداب عمر او بار (۴۱)

در حیاط کوچک پاییز

ندانم پس کدامین ابر باریده است / که باشد پای چشمانش چنین غمناک زندانی (۶۰)
۲-۲- فعل با مشبه به استعاره بسازد: در این تشبیهات وجه شبه غالباً در ارتباطی خیالی با مشبه به آن را به صورت یک انسان مجسم می سازد. این دسته مطابق با ستون Z و سطر A و B از جدول گوتلی است:
مرد چون میخ استاده بر جا خشک (از این اوستا، ۳۹)
چون درختی در زمستانم / بی که پندارد بهاری بود و خواهد بود (آخر شاهنامه، ۹۷)
او دید من نیز دیدم / مرد و زنی را که آرام و آهسته با هم / چون دو تذرو جوان می چمیدند (از این اوستا، ۱۰۵-۱۰۴)

در نمونه های فوق وجه شبه هایی چون «استاده»، «پندارد» و «می چمیدند» با تشخیص و شخصیت بخشی به مشبه به های «میخ»، «درخت» و «تذرو و جوان» قابل اسناد است.

شخصیت بخشی به مشبه به معقول نیز با فراوانی کمتری دیده می شود:
او می پرد چون دل پر سرود قناری / از شهر بند حصارش فراتر (از این اوستا، ۷۰)
«می پرد» برای «او» که مشبه است جنبه حقیقی دارد. اما برای «دل پر سرود قناری» خیالی و با تشخیص همراه است.
۳-۲- فعل با هر دو سوی تشبیه، استعاره بسازد: در این دسته نیز در اغلب موارد فعل از افعال مخصوص انسانی است که رابطه ای مبتنی بر تشخیص با مشبه و مشبه به برقرار می کند. این نوع تشبیهات مطابق با خانه ۹ از جدول گوتلی است.

[و سنگستان گمنامش] چنان چون آبخوستی روسپی، آغوش زی آفاق بگشوده (از این اوستا، ۲۳)
وان بو که چون عشوه های تو گوید: عزیزا / دریاب کین دم نیاید (در حیاط کوچک، ۴۷)
گفتمش: برف؟ گفت: بر این بام سبز فام / چون مرغ آرزوی تو لختی نشست و رفت / گفتم: تگرگ / چتر به سردی تکاند و گفت: چندی چو اشک شوق تو امید بست و رفت (آخر شاهنامه، ۵۷)
چنانکه دیده می شود در نمونه های بالا وجه شبه های «آغوش گشودن»، «گوید»، «امید بست و رفت» و «نشست و رفت» با هر دو سوی خیال پیوندی استعاری از نوع تشخیص برقرار می کند. مثالهای دیگر در این مورد:
[رویا] گویی خیال بود، شبیح بود سایه بود / یا آن ستاره بود که یک لمحه زاد و مرد چشمک زد و فسرد (زمستان، ۱۱۵)

و رگبار مسلسها که می زد دم به دم شلاق بر اعصاب / چنان زنجیری از آتش (در حیاط کوچک پاییز، ۳۵)
و چون بازیچه ای در دست طفلی می دود بر خاک / به دست راستش یک ترکه کوتاه و ناهموار (در حیاط کوچک، ۵۶)

نفس کز گرمگاه سینه می آید برون ابری شود تاریک / چو دیوار ایستاد در پشت چشمانت (زمستان، ۹۷)
آب و آتش نسبتی دارند جاویدان / مثل شب با روز (زمستان، ۱۲۰)

در نمونه های زیر نیز اسناد غیر حقیقی وجه شبه به دو سوی تصویر غالباً اسنادی استعاری است بدون اینکه با تشخیص همراه باشد:

بلورین نغمه رویای طاووس حریر و شاخه گیلاس مومی را / چون طلایی نالش یک خوشه بیدار از زنجیر خواب
آلود شبنم ها/ نشنود (در حیاط کوچک پاییز، ۸۰)

از این اوستا:

[او] می تپد چون پر بیمناک کبوتر (۷۰).

چو دود روشنی کز شعله شادی پیام آرد / سحر برخاست (۷۹)

چون پرده حریر بلندی / خوابیده مخفل شب، تاریک مثل شب (۶۳)

در این جا به بررسی رابطه وجه شبه با مشبه به در انواع تشبیهات معقول و محسوس می پردازیم:

۲-۲- تشبیه محسوس به محسوس:

در این نوع تشبیه، رابطه وجه شبه را با مشبه و مشبه به می توان به گروههای زیر تقسیم کرد:

۲-۲-۱- **شخصیت بخشی و جاندار انگاری مشبه:** در این موارد وجه شبه برای مشبه به مورد انتظار یا ضروری است اما برای مشبه، جنبه خیالی دارد. این نوع تشبیه خانه های ۷ و ۸ جدول را پر می کنند. در مثال زیر تمام جنبه های وجه شبه مرکب در ارتباط با مشبه یعنی «زن» حقیقی و در ارتباط با مشبه یعنی «مرداب» غیر حقیقی و مبتنی بر تشخیص است:

در سکوتش غرق / چون زنی عریان میان بستر تسلیم / مرده یا در خواب / بی گشاد و بست لبخندی واخمی تن رها
کرده است / پهنه ور مرداب (آخر شاهنامه، ۴۱)

در نمونه زیر نیز «آنچه» به عنوان مشبه تصویر به خاطر وجوه شباهتی چون «خستگی»، «از وجود خویش بیزار» و «رنجه از هستی» شخصیت داده شده است:

گفت راوی: آنچه آنجا بود / بود چون دارنگانش خسته و فرسوده، گرد آلود / نیز چون دارنگانش از وجود
خویشتن بیزار / نیز چون دارنگانش رنجه از هستی (از این اوستا، ۳۳)

در دو نمونه زیر نیز که صفات و حالات شاعر (مشبه) به عنوان وجه شبه به اشیاء و پدیده های پیرامون (مشبه به) نسبت داده شده تصاویر زیبا و قابل تأملی به وجود آمده است:

پاییز جان چه سرد چه درآلود / چون من تو نیز تنها ماندستی (آخر شاهنامه، ۴۷)

در آن لحظه در آن خانه سنگین / ... / به بی تابی تو گویی انتظار ضربه هایی داشت پر لذت / و مثل من دلش از
شوق یا از هیچ می لرزید (در حیاط کوچک، ۴۴)

چنانکه دیده می شود در نمونه اول وجه شبه «تنها بودن» و در نمونه دوم نیز وجه شبه «دلش از شوق یا از هیچ می لرزید» برای مشبه های «پاییز» و «در آن خانه سنگی» خیال آفرین است و به آنها شخصیتی انسانی می بخشد.

در نمونه های کمتری نیز شاعر در اسناد وجه شبه به مشبه، جان بخشی به مشبه را در نظر دارد. چنانکه در دو نمونه زیر ارتباط وجه شبه ها با مشبه های «سعادت» و «شادی» به همین صورت توجیه می شود:

سعادت می چمد سر می کشد هر جای / ... / چو طاووس نری طناز هر سو می گشاید بال / و شادی در رکابش می
خرامد مست و فارغبال / چو قمری می سراید نغمه جادویی «کوکو» (در حیاط کوچک، ۱۰۸)

نمونه هایی دیگر از شخصیت بخشی به مشبه:

زمستان:

نه این خونی که دارم پیر و سرد و تیره و بیمار / ... / کشاند خویشتن را همچو مستان دست بر دیوار (۱۴۶)

آخر شاهنامه:

من نگاهم مثل نوپرواز گنجشک سحر خیزی / پله پله رفته بی پروا به اوجی دور زین پرواز (۶۱)
باد چون آمری مأمور و ناپیدا / بس پریشان حکمها می راند مجنون وار / بر سپاهی خسته و غمگین و آشفته (۱۰۰)
من نگاهم ماهی خونگرم و بی آرام این دریا (۶۱)

از این اوستا:

چو مرغی زیر باران راه گم کرده / گذشته از بیابان شبی چون ضجه دشمن / ... همه چیز و همه جا خسته و خیس است (۷۹)

به کردار پرستاری - سیه پوشیده، پیشاپیش، دل برکنده / [از بیمار / نشسته در کنارم اشک بارد شب (۶۱)

در حیاط کوچک پاییز:

پس مگر داد دلش گهگاه / چنانچون پیک اوزین تنگنای پست / به سوی دلکش افلاک آزادی بپوید راه (۵۸)
در چشمهای او / غوغاکنان دو خرمن خون سوزد / ... آنجا دو شرزخ شیر به زنجیر بسته اند / که انحنای گردنشان گویی می خارد / لختی گذشت و دیدم اینکه دو گرگ خسته که هر یک برای خود / این زوزه وار نالد و آن زارد (۳۹)

الا یا سنگهای خاره کر با گریبانهای زناری / نمی دانم کدامین چاره باید کرد / نمی دانم که چون من یا شما آیا گریبان پاره باید کرد یا دل راز سنگ خاره باید کرد (۶۵)

۲-۲-۲- شخصیت بخشی به مشبه به: در این دسته، وجه شبه برای مشبه، مورد انتظار یا ضروری اما برای مشبه به خیال انگیز و مبتنی بر تشخیص است. این تشبیهات با خانه های ۳ و ۶ جدول گوتلی منطبق است:
ای شده چون سنگ سیاهی صبور / پیش دروغ همه لبخندها (۱۰۷)

در نمونه فوق «سنگ سیاه» به عنوان مشبه به با صفت «صبور» که یکی از صفات و ویژگیهای انسانی است به مشبه که انسان است تشبیه شده است. بنابراین رابطه وجه شبه با مشبه به رابطه خیالی را نشان می دهد.
آنچه در این تشبیه ها ویژه و مخصوص است برگرفته شدن وجه شبه از مشبه است. در حقیقت در این موارد مشبه به صفات و ویژگیهای مشبه را بازتاب می دهد و از آنجا که تصویر و از جمله تشبیه در شعر اخوان در خدمت بیان عواطف و حالات روحی شاعر است لذا در این نمونه ها بیشتر احساسات درونی و حالات روحی و نه ویژگیها و خصوصیات ظاهری در جایگاه وجه شبه قرار می گیرند و با پدیده ها و اشیای بیرونی رابطه ای مجازی از نوع تشخیص برقرار می کنند. این ویژگی به خصوص آنجا که مشخصاً خود شاعر به عنوان مشبه در حالتی از حالات درونی به یکی از پدیده ها و اشیای بیرونی تشبیه می شود تصاویر زیبا و قابل تأملی را به وجود می آورد. چنانکه در نمونه زیر «رنجور بودن» از جمله صفاتی است که برای مشبه یعنی «من» ضروری و یا مورد انتظار است اما اسناد این صفت به «سنگ تپیا خورده» اسنادی خیالی از نوع تشخیص است:

منم من سنگ تپیا خورده رنجور (زمستان، ۹۸)

در نمونه زیر نیز «دلمرده و خسته و مات» و هم چنین «نه م انتظار و امیدی نه م نیز افسوس و هیئات» در واقع تماماً ویژگیها و صفات درونی شاعر را نشان می دهد که به صورتی خیالی به «شاه شطرنج» نسبت داده شده است:

[من] چون شاه شطرنج وقتی که از هر طرف می رود راه بسته است / دلمرده و خسته و مات / نه م انتظار و امیدی / نه م نیز افسوس و هیئات (در حیاط کوچک، ۵۲)

در نمونه های زیر نیز صفات و حالات مشبه، به مشبه به فراقنی شده است. بنابراین وجه شبه برای مشبه به با شخصیت بخشی توأم است:

یا همچو قمری با زبان بی زبانی / محزون و نامفهوم و گرم آواز خوانی (زمستان، ۹۵)

[مرد] پای تا سر چون صدف گوش است (آخر شاهنامه، ۱۲۹)

در حیاط کوچک پاییز:

برایت همزبان تازه ای آورده ام: مایا / چو فرزندات غریب، اندوهگین، تنها (۹۳)
آنکه هرگز چون کلید گنج مروارید / گم نمی شد از لبش لبخند (۸۲)

۲-۲-۳-شخصیت بخشی به هر دو سوی تصویر: این تشبیهات خانه ۹ جدول گوتلی را به خود اختصاص می دهند. زیرا در این تشبیه ها، صفات و ویژگیهای انسان به عنوان وجه شبه با هر دو سوی تشبیه رابطه ای خیال انگیز بر اساس تشخیص برقرار می کند. این تصاویر نیز از آنجا که احساس شاعر را نسبت به محیط اطرافش نشان می دهد و تجربه های عاطفی او را به نمایش می گذارد و بسیار زیبا و قابل تأملند. چنانکه در نمونه های زیر وجه شبه خیالی ای که به اشیاء و پدیده های بی جان نسبت داده شده به خوبی توانسته است خواننده را در فضای عاطفی شاعر شناور کند:

[سایه] اغلب چو تب مهربان و صمیمی (آخر شاهنامه، ۱۰۴)

[قطره های درخشان] چو رگباری همه دار و ندار خویش را یکجا فرو آرند (در حیاط کوچک پاییز، ۱۰۰)
در مثال اول «مهربان» و «صمیمی» به «سایه» و «تب» صورت و حیاتی انسانی بخشیدند و در مثال دوم جمله «همه دار و ندار خویش را یکجا فرو آرند» با «رگبار» و «قطره ها» پیوندی مجازی از نوع تشخیص را نشان می دهد. در نمونه زیر نیز اسناد ضرب المثل «اجاقش کور» به هر دو سوی تصویر تنها در صورت شخصیت بخشی بر آنها قابل تصور است:

چو هر دستافزین آدمی، هر اوج و موج نور / شراب و شعر و موسیقی / حرام است و اجاقش کور (در حیاط کوچک، ۱۰۵)

نمونه های دیگر در این زمینه:

سبزه های تر چون طوطی شاد / بوته های گل چون طاوس مست (زمستان، ۷۲)

سر چنگی از شوق سرشار (از این اوستا، ۷۰)

شب طولانی پاییز / چو شبهای دگر دم کرده و غمگین (در حیاط کوچک پاییز، ۶۲)

۲-۲-۴-آمیزش حواس: در این دسته تشبیهاتی قرار می گیرند که رابطه خیالی وجه شبه با مشبه و مشبه به یا هر دو رکن تشبیه بر مبنای حسامیزی توجیه می شود. این تشبیهات به گروههای زیر تقسیم می شود:

۲-۲-۴-۱-آمیزش حواس در مشبه: در این دسته تشبیهاتی قرار می گیرند که اگر چه رابطه حقیقی بین وجه شبه و مشبه به را نشان می دهند اما در آنها اسناد وجه شبه به مشبه اسنادی استعاری مبتنی بر حسامیزی است. یعنی مشبه متعلق به یک حس و مشبه به متعلق به حس دیگر است. این نوع تشبیهات خانه های ۷ و ۸ جدول را پر می کنند. نمونه زیر یکی از این موارد است:

گاه عاشق وار غوک نوجوان در دور دست برکه خوش می خواند / با صدایی چون بلور آبی روشن (آخر شاهنامه، ۱۱۰)

در تصویر فوق «آبی روشن» به عنوان دو ویژگی ای که محسوس به حس باصره است رابطه ای مبتنی بر حسامیزی با مشبه یعنی «صدا» برقرار می کند.

نمونه زیر را نیز می توان در این محدوده بررسی کرد:

آسمان خاموش / همچو پیغامی که کس نشنفته باشد بود (آخر شاهنامه، ۱۱۱)

در تصویر فوق «نشسته باشد» که متعلق به حس شنوایی است با «آسمان» رابطه ای مجازی بر اساس حس آمیزی را به نمایش می گذارد.

۲-۲-۴-۲-آمیزش حواس در مشبه به: این دسته تشبیهاتی را شامل می شود که رابطه وجه شبه با مشبه ضروری و یا مورد انتظار است و رابطه این رکن با مشبه به رابطه ای غیر حقیقی از نوع حس آمیزی را نشان می دهد. این نوع تصاویر در خانه های ۳ و ۶ جدول گوتلی قرار می گیرند. در تصویر زیر اسناد دو صفت «روشن» و پاک به «نام» و «شعر» می تواند آمیزش حواس بینایی و شنوایی را نشان دهد:

بر او هر شب نثاری هست / روشن مثل نامش مثل شعرش پاک (در حیاط کوچک پاییز ۷۲-۷۱)

نمونه ای دیگر در این زمینه:
دمش چونان حدیث آشنایش گرم (در حیاط کوچک پاییز، ۷۷)

۲-۲-۴-۳-آمیزش حواس در مشبه و مشبه به: این دسته مشتمل بر تشبیهاتی است که اسناد وجه شبه به هر دو سوی تصویر اسنادی غیر حقیقی و مبتنی بر حس آمیزی است. این نوع تشبیهات خانه ۹ جدول را به خود اختصاص می دهند. در شعر اخوان تنها یک نمونه از این نوع تشبیه یافت شد:
من این آواز پاکت را در این غمگین خراب آباد / چو بوی بالهای سوخته ات پرواز خواهم داد (زمستان، ۸۴)

چنانکه دیده شد در نمونه فوق وجه شبه «پرواز خواهم داد» در ارتباط با «آواز» آمیزش دو حس بینایی و شنوایی و در ارتباط با «بوی بالها» آمیزش دو حس بینایی و بویایی را نشان می دهد.

۲-۳- تشبیه معقول به محسوس

۲-۳-۱- تجسم بخشی به مشبه معقول: در این نوع تشبیهات در برخی موارد با تجسم بخشی به امر معقول و حسی کردن آن رو به روییم. چنانکه در نمونه زیر «سنگین» به عنوان وجه شبه با «سنگها» - مشبه به - در محور هم نشینی پیوندی آشنا و حقیقی داد اما اسناد آن به «خواب» اسناد مجازی است و با تجسم بخشی همراه است.
هین می پرسم از شما ای خوابتان چون سنگها سنگین (در حیاط کوچک، ۶۳)

در نمونه زیر نیز اسناد صفات «لطیف» و «درخشان و پاک» برای «یاد» که مشبه تصویر است اسنادی استعاری و با تجسم بخشی همراه است:

با دل من چه می تواند کرد؟ یادت؟ / ای یاد من ز دل برده / من گرفتم لطیف چون شبنم / هم درخشان و پاک چون باران (آخر شاهنامه، ۵۹)

در تشبیهات زیر نیز وجه شبه، مشبه عقلی را به صورت محسوس تجسم ساخته است:

وزیادهای مدفون آواری چون بهمن سیاه / برجسته است شاید راهش را (در حیاط کوچک، ۳۹)

که شیرین است غم شیرین تر از شهد و شکر می کرد (از این اوستا، ۶۶)

دلش چون قله های برف پوش مرتفع سرد است (در حیاط کوچک پاییز، ۵۹)

ای واپسین خیال شبح وار سایه رنگ (زمستان، ۱۱۶)

۲-۳-۲- شخصیت بخشی به مشبه به: در این نوع تشبیه نیز از آنجا که شاعر احساسات و عواطف درونی خود را به محیط پیرامون خود فراقنی می کند از غرابت و زیبایی خاصی برخوردارند. این تشبیهات که در آنها وجه شبه برای مشبه مورد انتظار یا ضروری است اما برای مشبه به جنبه خیالی دارد در خانه های ۳ و ۶ جدول گوتلی قرار

می‌گیرند. در نمونه زیر شاعر اندوه درونی خود را در پیر مرغی کور و سرگردان به نظاره می‌نشیند. جمله «از ملال و وحشت و اندوه آکنده است» به عنوان وجه شبهه به «پیر مرغ» شخصیتی انسانی می‌بخشد:

لیک می‌دانم دل چون پیر مرغی کور و سرگردان / از ملال و وحشت و اندوه آکنده است (آخر شاهنامه، ۱۱۲)

در تصاویر زیر نیز شاعر به گونه‌ای دیگر پدیده‌های بیرونی را با حالت‌های درونی خود پیوند داده است:

مسکین دلم لرزان چو برگ از باد/ یا آتشی پاشیده بر آن آب/ خاموشی مرگش پر از فریاد (از این اوستا، ۴۴)

دلم چون سایه مهتابیم غمناک (در حیاط کوچک، ۱۱۲)

در مثال اول «خاموشی مرگش پر از فریاد» به عنوان وجه شبهه که با پارادوکس نیز همراه است به شبهه به معنی آتش، احساسی انسانی می‌بخشد و در مثال بعد «غمناک» در واقع صفت خود شاعر است که به «سایه مهتابی» منتقل شده است.

۲-۳-۳- شخصیت بخشی به مشبه و مشبه به: در این موارد مشبه یعنی امر معقول و مشبه به یعنی امر محسوس با وجه شبهه به یکی از صفات و ویژگی‌های گوهری انسان متصف می‌شوند. این تشبیهات خانه ۹ جدول گوتلی را به خود اختصاص می‌دهند. در تصویر زیر «بی شکوه و غریب و رهگذرند» به عنوان خصوصیات انسانی به «یاد» یعنی مشبه و «برق و باد» یعنی مشبه به تشخیص می‌بخشند:

بی شکوه و غریب و رهگذرند / یادهای دگر چو برق و چو باد (آخر شاهنامه، ۵۸)

در نمونه زیر نیز شاعر جمله «فراخیزد، فرو ریزد به ناپروایی اما اضطراب آلود» را به عنوان وجه شبهه مرکب که دربرگیرنده صفات و افعال انسانی است به مشبه معقول یعنی «رویای پیرواران» و مشبه به محسوس یعنی «فواره ای رنگین کمان باران» نسبت می‌دهد:

و رویای پیرواران / فراخیزد فرو ریزد به ناپروایی اما اضطراب آلود/ چنان فواره ای رنگین کمان باران (در حیاط کوچک ۲۶)

تصاویر نیز نمونه‌هایی دیگر در این موردند:

بغضم در گلو چتری که می‌گشاید چنگ (از این اوستا، ۵۰)

گاهواره جاده هموار/ بر زمین خوابیده بود آرام و آسوده/ چون نوار سالخوردی پوده و سوده (از این اوستا، ۳۱)

دلم گویی چو موج از خود گریزان است (در حیاط کوچک پاییز، ۲۶)

در شب دیوانه غمگین/ که چو دشت او هم دل افسرده ای دارد (زمستان، ۸۳)

۲-۴- تشبیه محسوس به معقول

۲-۴-۱- شخصیت بخشی به مشبه و مشبه به: در این موارد نیز شاعر به صورتی هنرمندانه مشبه محسوس و مشبه معقول را با صفاتی انسانی به عنوان وجه شبهه بر هم پیوند می‌دهد. این نوع تصاویر با خانه ۹ جدول قابل تطبیق هستند:

برکه چون عهدی که با انکار/ در نهان چشمی آبی خفته باشد بود (آخر شاهنامه، ۱۱۱)

در تصویر بالا «خفتن» با دو سوی تصویر یعنی «برکه» و «عهد» ارتباطی مجازی مبتنی بر تشخیص برقرار می‌کند. در نمونه زیر نیز «درختان» که امری محسوس است و «پریزادان» که امری معقول و غیر حسی است با وجه شبهه‌هایی چون «مست» و «خفته» تشخیص می‌یابند:

یکی بنگر: درختان با پریزادان مست خفته می‌مانند (در حیاط کوچک، ۲۶)

هم چنین است تصویرهای زیر:

این شکسته چنگ بی قانون/ گاه گویی خواب می بیند خویش را در بارگاه پر فروغ مهر/.../ یا پریزادی چنان سرمست در چمنزاران پاک و روشن مهتاب می بیند (آخر شاهنامه، ۷۰)

همچو دیوی سهمگین در خواب / پیکرش نیمی به سایه نیم در مهتاب / در کنار برکه آرام/ اوفتاده صخره ای پوشیده از گل‌سنگ (آخر شاهنامه، ۱۰۹)

و نگاهم مثل پروانه در فضای باغ او می گشت / گشتن غمگین پری در باغ افسانه (از این اوستا، ۹۸)

۲-۴-۲- تجسم بخشی به مشبه به: در این نوع تشبیهات وجه شبه برای مشبه ضروری و یا مورد انتظار است اما برای مشبه به جنبه خیالی دارد. به این صورت که مشبه به معقول را به صورتی محسوس مجسم می سازد. بنابراین تشبیه خانه های ۳ و ۶ جدول گوتلی را پر می کند:

اندر و آویخته مثل دلم فانوسی دود اندودی از دیرک / با فروغی چون دروغی که ش نخواهد کرد باور هیچ قصه باره ساده دل کودک (از این اوستا، ۳۳)

چنانکه دیده می شود در نمونه فوق «فانوس دود اندود» یکبار به «دل» و یکبار به «دروغ» تشبیه شده است. در تشبیه اول وجه شبه «آویختن» به «دل» به که امری انتزاعی است تجسم می بخشد در حالی که این وجه شبه برای مشبه ضروری و یا مورد انتظار است. در تشبیه دوم نیز صفت «فروغ» به عنوان وجه شبه، «دروغ» را که مشبه بهی انتزاعی است به صورت امری حسی نشان می دهد.

در نمونه زیر نیز اسناد مجازی صفات «فراخ و ژرف» به مشبه به معقول یعنی «حمق ما مردم» تجسم می بخشد: گفت راوی: در قفاشان دره ای ناگه دهان وا کرد / به فراخی و به ژرفی راست چونان حمق ما مردم (از این اوستا، ۴۰)

نمونه های دیگر در این مورد:

در حیاط کوچک:

بتو فدگردبادی سهمگین وز خاک/ چنان دیوی تنوره کش تنوری تیره برخیزد (۱۰۶)

گر چه بیرون تیره بود و سرد همچون ترس/ قهوه خانه گرم و روشن بود همچون شرم (۷۵)

و من رخشنده تر از خوابهای اختران بودم (۱۱۱)

۲-۵- تشبیه معقول به معقول

۲-۵-۱- تجسم بخشی به مشبه و مشبه به: این نوع تشبیه در شعر اخوان اندک یاب است. اما در برخی از نمونه های این نوع تشبیه، وجه شبه در یک پیوند خیالی هر دو سوی تشبیه را تجسم می بخشد. این نوع تشبیه نیز خانه ۹ جدول را پر می کند:

از آشیان ساده روحی فرشته وار / کز روشنی چو پنجره ای از بهشت بود (زمستان، ۱۱۴)

در نمونه فوق «آشیان ساده روحی فرشته وار» مشبه معقول به «پنجره ای از بهشت» مشبه به معقول تشبیه شده است. وجه شبه یعنی «روشنی» با هر دو سوی تشبیه پیوندی خیالی دارد و آنها را به صورت امری محسوس نشان می دهد. در نمونه های زیر نیز همین ویژگی دیده می شود:

یاد تو شیرین ترین عهد و عادت (در حیاط کوچک، ۵۳)

کم کم سیاه می شد و تاریک و می گرفت / با طرح بیشه ای / - مثل گلابی دل من امشب / آن شب دل گلابی کاواک شیشه ای (در حیاط کوچک، ۳۸)

۲-۶- وجه شبه ایهامی

اخوان در نمونه های نادری از تصاویر تشبیهی از وجه شبه های ایهامی بهره برده است. چنانکه در نمونه زیر ارتباط

وجه شبه «تنگ» با مشبه یعنی «فضای خیمه» ارتباطی حقیقی است. تنگ بودن برای خیمه مورد انتظار است اما همین وجه شبه در ارتباط با «سینه» معنایی استعاری می‌یابد. این نوع تشبیه در خانه ۶ جدول قرار می‌گیرد: در فضای خیمه ای چون سینه من تنگ (از این اوستا، ۳۳) در نمونه زیر نیز همین ویژگی دیده می‌شود.

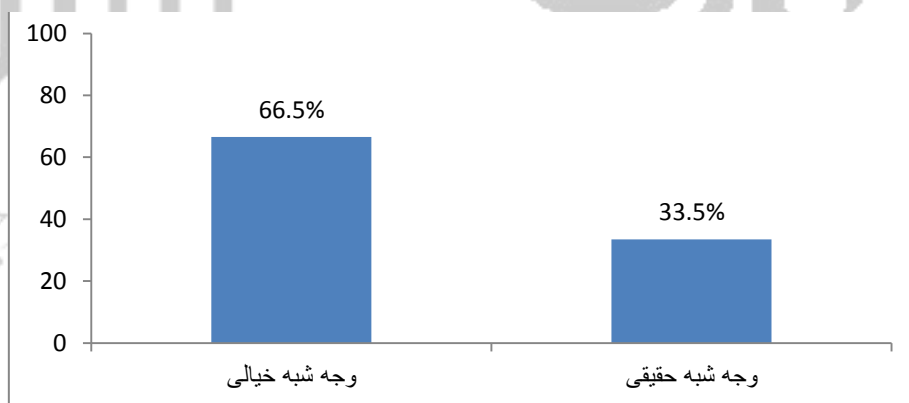
[مایا] چون من نیست او را نیز با شیرین و شکر کار (در حیاط، ۹۴)

در نمونه فوق دو واژه «شیرین و شکر» برای مایا که نام طوطی است حقیقی است اما این وجه شبه در ارتباط با «من» که مشبه به تصویر است در معنای ایهامی خود (نام دو معشوقه خسرو پرویز) به کار رفته است: در نمونه زیر وجه شبه ایهامی بر عکس در ارتباط با مشبه معنایی ایهامی پیدا می‌کند و با مشبه به پیوندی حقیقی دارد. این نوع تشبیه در خانه ۳ جدول قرار می‌گیرد:

چون درختی اندر فضای زمستانم / ریخته دیری است هر چه بودم یاد و بودم برگ (آخر شاهنامه، ۹۸) در تشبیه فوق جمله «ریخته دیری است هر چه بودم یاد و بودم برگ» وجه شبه مرکب است. در میان عناصر متعدد این وجه شبه واژه «برگ» واژه ای ایهامی است. این واژه در ارتباط با «من» به معنای ایهامی خود و یعنی «تاب و توان» و در ارتباط با «درخت» که مشبه به تصویر است در معنای حقیقی به کار رفته است.

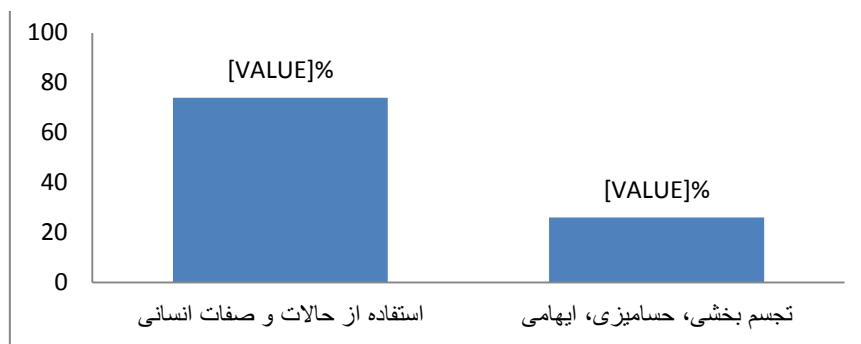
۳ - نتیجه

اخوان در بسیاری از تشبیهات خود از وجه شبه‌های خیالی استفاده کرده است. چنانچه از مجموع ۱۹۱ تشبیه مفصل که از آثار شاعر استخراج شده است تعداد ۸۰ تشبیه، وجوه شباهت خیالی را نشان می‌دهد. این تعداد بیانگر ۶۶ درصد از مجموع وجه شبه هاست. در نمودار زیر نسبت میان وجوه شباهت حقیقی و خیالی نشان داده شده است.



نمودار ۱- نسبت میان وجوه شبه حقیقی و خیالی

در این مقاله رابطه وجه شبه با مشبه و مشبه به بر اساس روشی جدید نشان داده شده است. اخوان در تشبیهات ویژه خود از وجه شبه‌های خیالی استفاده کرده است. آنچه در این وجه شبه‌ها برجسته و شاخص است استفاده از صفات و ویژگیهای انسانی است که صناعت تشبیه را در آثار اخوان با تشخیص درهم می‌آمیزد. از نظر فراوانی، این نوع تصاویر ۸۰ تشبیه را شامل می‌شود که این تعداد برابر... از تشبیهات است. دیگر انواع وجه شبه‌های خیالی همچون اشعار دیگر شعرا تجسم و عینیت بخشی به مشبه و مشبه به را نشان می‌دهد. وجه شبه ایهامی و وجه شبه مبتنی بر حسامیزی نیز در آثار اخوان نمونه‌هایی دارد. در نمودار زیر نسبت میان این نوع صورتهای نشان داده شده است.



نمودار ۲- نسبت میان انواع وجوه شباهت خیالی

منابع:

- ۱- اخوان ثالث، مهدی، *آخر شاهنامه*، چاپ بیستم، تهران: نشر زمستان، ۱۳۸۷
- ۲- اخوان ثالث، مهدی، *از این اوستا*، چاپ پانزدهم، تهران: نشر زمستان، ۱۳۸۶
- ۳- اخوان ثالث، مهدی، *در حیات کوچک پاییز*، چاپ چهارم، تهران: بزرگمهر، ۱۳۷۲
- ۴- اخوان ثالث، مهدی، *زمستان*، چاپ پانزدهم، تهران: مروارید، ۱۳۷۶
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا، *صور خیال در شعر فارسی*، چاپ هفتم، تهران: آگه، ۱۳۷۸
- ۶- شمیسا، سیروس، *بیان*، چاپ دوم، تهران: نشر میترا، ۱۳۸۶
- ۷- عرفان، حسن، *کرانه‌ها (شرح فارسی کتاب مختصر المعانی)*، چاپ سوم، قم: هجرت، ۱۳۸۴
- ۸- فتوحی رود معجنی، محمود. *بلاغت تصویر*. تهران: سخن، ۱۳۸۶، چاپ اول.
- ۹- پورنامداریان، تقی، امیرحسین ماحوزی «بررسی وجه شبه در کلیات شمس». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۵۹، تابستان ۸۷، صص ۶۴-۴۱.

1-Goatly, Andrew, *The Language of metaphor*, London; Routledge 1998